

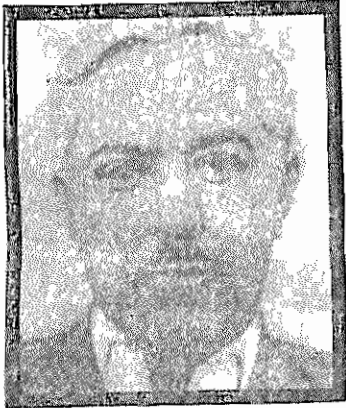
ملی کردن را باید گسترش داد

حزب توده ایران، بر اساس برنامه خود، آماده برای تبادل نظر خلاق و همکاری صادقانه با مقامات رسمی و نیروهای انقلابی، بمنظور پی ریزی یک برنامه جامع اقتصادی است



تک شماره ۱۵ ریال

به یاد علی علوی



مهندس علی علوی عضو هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از یورش کودتاچیان ۲۸ مرداد، به جنبش ملی و دمکراتیک ایران، و پیش از همه و بیش از همه به حزب توده ایران، مانند بسیاری دیگر از اعضا کادرها و رهبران حزب دستگیر شد. اعتصاب عظیم کارگران کوره پزخانه های تهران در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸، که برای نخستین بار سکوت ترور پلیسی پس از کودتای ۲۸ مرداد را شکست، رژیم شاه خائن را بوحشت انداخت. رژیم شاه مخلوع در همان سال که وحشیانه ۵۰ تن زن و مرد و کودک را بخاک و خون کشید تا اعتصاب را سرکوب کند، چون این اعتصاب را از چشم حزب توده ایران میدید، برای مرعوب ساختن و انتقام گرفتن، علی علوی را نیز که در زندان شاه خائن اسیر بود، در ۲۵ خرداد، بدون مقدمه و با شتاب به چوبه اعدام سپرد. در این جنایتکارانه نتوانست کارگران قهرمان کوره پزخانه را از پا درآورد و حتی مجبور به عقب نشینی شد. ولی قربانی های خود را در وجود ۵۰ تن زحمتکش و در وجود علی علوی گرفت. بدینسان علی علوی جان بر سر آرمان زحمتکشان نهاد. یادش گرامی باد

با سرمایه های انحصاری خارجی پیوند دارند و هدفی جز به غارت بردن و به غارت دادن درآمد ملی دسر نمی پرورند، متمرکز شود. ولی همانطور که قبلا در مقاله «مردم» (شماره ۲۵) نوشتیم، ملی کردن بانکها فقط نخستین گام در راه احیاء و سالم سازی اقتصاد بحران زده و درهم ریخته کنونی و ترمیم پیشرفت آتی آن بسود توده مردم است. در این شماره «مردم» به گسترش بیشتر این نظر حزب می پردازیم. ولی در ابتدا سخنی چند درباره چگونگی ملی کردن بانکها. چگونگی ملی کردن می تواند از دوره انجام گیرد: از راه مصادره، یعنی بدون پرداخت هیچگونه وجهی به صاحبان بانکها (یا همسوسه دیگر) و یا از راه پرداخت کامل یا جزئی بهای سهام (بهای اسمی، بهای بازار یا بورس، حتی اضافه پرداخت بابت عدم النفع و غیره). از اظهارات مقامات رسمی چنین برمی آید که، دولت درصدد مصادره بانکها نیست، بلکه میخواهد پس از

حزب توده ایران بلافاصله پس از اعلام ملی شدن بانکهای خصوصی، پشتیبانی خود را از این اقدام اعلام کرد. این پشتیبانی کاری بود کاملا مفهومی و منطقی. زیرا حزب ما پیوسته معتقد بوده که برای ایجاد یک اقتصاد سالم، شبکه بانکی، بمنابه شریان حیاتی اقتصاد کشور، نمیتواند و نباید در دست بخش خصوصی، و به عبارت دقیق تر در دست مشت ناچیزی از سرمایه داران بزرگ، که با هزار رشته مرئی و نامرئی

بر خورد ما به شیوه بهتان زنی دشمنان و مخالفان حزب

ما عرصه و شیوه مبارزه را خود انتخاب می کنیم

یک حزب انقلابی، مانند حزب توده ایران، که در مواضع اجتماعی خود دیرزمانی سرسخت می ایستد، بناچار دشمنان فراوانی دارد. از آنجمله اند، طبقات حاکمه، که امتیازات غارتگرانه خود را در اثر پیشرفت آن حزب در خطر می بینند و احزاب و مطبوعات و رجال سیاسی تابع این طبقات. از آنجمله اند، نیمه رهانی که روی حسابهای خود، چندی

پذیرش ایران به جنبش کشورهای غیر متعهد یک گام بسوی استقلال واقعی

کنفرانس هم آهنگی کشورهای غیر متعهد، که در کلمبو، پایتخت سری لانکا، برگزار بود، در سومین نشست خود پذیرش چند کشور، از آنجمله ایران را بعنوان عضو رسمی در جنبش کشورهای غیر متعهد مورد بررسی قرار داد. در این کنفرانس با عضویت کشورهای مزبور موافقت گردید و قرار شد که این پیشنهاد برای تصویب نهایی در کنفرانس کشورهای غیر متعهد که بزودی در هاوانا پایتخت کوبا تشکیل خواهد شد مطرح گردد.

ورود ایران به جنبش کشورهای غیر متعهد اقدامی است مثبت در زمینه ستگیری مشخص صلحجویانه و ضد امپریالیستی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی و مسائل مربوط به مسائل مربوط به سیاست جهانی. خروج ایران از پیمان نظامی سنتو و تصمیم دولت برای لغو قراردادهای تسلیحاتی و انحلال پایگاههای نظامی آمریکا در خاک ایران، راه را برای پیوستن ایران به جنبش کشورهای غیر متعهد، هموار نمود. از این پس شرکت فعال ایران در این جنبش میتواند در پیشرفت و گسترش فعالیت کشورهای غیر متعهد، که بطور عمده در ست مبارزه علیه گوشتهای استیلاگرانه و نواستعماری امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکا و در راه استحکام روابط برابر حقوق، احترام متقابل به حق حاکمیت و پیروی از اصول هفت گانه یستی مسالمت آمیز در مناسبات میان کشورهاست، موثر و سودمند باشد.

باینکه در جنبش کشورهای غیر متعهد نیروهای ناهمگونی متحد شده اند، اما شرکت کنندگان در این جنبش به حل بسیاری از مسائل حیاتی جهان معاصر علاقمندی یکسانی دارند. در مصوبات چهارمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد، که در سال ۱۹۷۳ در الجزیره برگزار گردید، تاکید شده است که، یکی از اهداف جنبش کشورهای غیر متعهد مبارزه در راه صلح و امنیت بین المللی رعایت اصول همزیستی مسالمت آمیز و عدم مداخله در امور کشورهای دیگر است. در اعلامیه سیاسی که در پنجمین کنفرانس (کلمبو ۱۹۷۶) کشورهای غیر متعهد به تصویب رسیده، آمده است که اصول همزیستی مسالمت آمیز، که بعنوان مبنای توسعه روابط بین المللی اعلام شده، در سراسر جهان بانظر تأیید همگانی استقبال گردید و کشورهای غیر متعهد در روابط خود باهمه کشورها از این اصول پیروی میکنند. در این اعلامیه خاطر نشان شده است که جنبش کشورهای غیر متعهد خواستار انحلال گروه بندیهای نظامی امپریالیستی هستند و با سیاست نظامیگری، توسعه حضور نظامی و تحمیل مسابقه تسلیحاتی که از جانب امپریالیسم آمریکا در مناطق مختلف جهان اعمال میگردد، جدا مخالفند و بخاطر عقیم گذاردن آن مبارزه پیگیر میکنند. جنبش کشورهای غیر متعهد، به اتفاق کشورهای سوسیالیستی، در راه اتخاذ تدابیر موثری در زمینه خلع سلاح و گسترش روند و خاتم

یاد شهدای توده ای ۲۹ خرداد ۳۲ در بابل هماره جاودان و درخشان باد!

۲۶ سال گذشته است. اگر آن سال ۳۲ در بابل صورت نمیکرفت، اکنون جنایات خونین شاه و عمالش در ۲۹ خرداد حزب ما نهیست ضد امیر بالسی ایران



اسکندر روشن احمد کیوانلو علی بابایا حبیبی احمد صدای حق حسین مقدوری

خاطره شهدای توده ای بابل را گرامی میداریم

بزرگداشت این شهیدان این شرکت کنند. مکان گردهم آیی: گورستان سیدزکریا جاده قدیم آمل، نرسیده به پل محمدحسن خان زمان گردهم آیی: سه شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۵۸ ساعت ۵ بعد از ظهر دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

کتاب گمشده رفیق شهید ستوان محمد رضا منزوی رفیق شهید ستوان محمد رضامنزوی، که در اسفند سال ۱۳۳۳، در خیابان رژیم سابق، زیر شکنجه رشته حیات او راضع کردند، کتابی دارد تحت عنوان «دیپلماسی امپریالیستی و دیپلماسی شوروی» این کتاب اکنون نایاب است. ما از همه کسانی که نسخه ای از این کتاب را در دست دارند، خواهش می کنیم آنرا برای تجدید چاپ در اختیار دفتر «مردم» قرار دهند. باسپاس «مردم»

اطلاع در شماره ۲۱ مجله تهران مصور، مورخ ۲۵ خرداد ۱۳۵۸، شرحی بعنوان مصاحبه با اینجانب انتشار یافته است. درباره این شرح تذکرات زیرین را لازم می شمارم: (۱) مصاحبه بصورت گفتگو انجام گردیده است و لزوما فاقد دقت کافی در فرمول بندیهاست. (۲) پرسشها و پاسخها به ترتیبی که ارائه شده نبوده و در واقع در اکثر موارد پرسشها مونتاز و درموردی هم باجابجا کردن پرسشها و پاسخها عملا مصاحبه تحریف شده است. ایرج اسکندری ۱۳۵۸/۳/۲۴

قرار داد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

«مردم» و مردم

در صدر این ستون، امروز خلاصه نامه ای را که از یک زندانی سیاسی سابق دریافت کرده ایم، درج میکنیم. وی مینویسد: «چرا صدر تشبیهان رژیم گذشته، در دولت موقت هم در اغلب موارد هنوز در راس کار هستند، ولی زندانیانی که سال های طولانی از عمرشان بخاطر مردم و آرمانهایشان در زندان بوده اند، حتی از داشتن کاری در حد اشتغالشان محروم؟ هر چند وقتی به بیکاری میلیونها مظلوم فکر میکنیم، درد خودمان ناچیز مینماید. با قبول اینکه نسبت به بیکاریهای عظیمی که در کشور ما میگذرد، مسئله بیکاری زندانیان سیاسی امری فرعی است، معذرا در یک چنین فضایی که مردم از شور انقلابی ضد امپریالیستی و هواداری از دیکتاتوری انقلابی همچنان به پیش میروند، بی توجهی دولت نسبت به اشتغال زندانیان سیاسی سابق عجیب و دردناک نظر میرسد. حال که اینان بجهت مبارزات مردم، پس از آنکه سالها بر خانواده های خود تحمیل بودند، آزاد شده اند، بیش از این روانیست که خانواده ها و دوستان، جورکشی زندانیان سیاسی سابق باشند، در حالیکه آنها حاضرند با تمام وجود در هر نقطه کشور به مردم خدمت کنند.»

یادداشت دیگری نیز درباره زندانیان سیاسی سابق از دوست دیگری دریافت نموده ایم. وی مینویسد: «کسانی که سالیان دراز علیه رژیم ضد خلقی پهلوی مبارزه کرده اند و برای اینکه رازدار خلق باشند در زندان سالهای بسیاری را گذرانده اند و تحمل شکنجه نموده اند، زندانی سیاسی نامیده میشوند. اما کسانی که اکنون در دادگاههای انقلاب محاکمه میشوند، نقطه مقابل آن مبارزان هستند. ولی بعضی ها، بقصد معینی، لغت زندانی سیاسی را در مورد اینها نیز بکار میبرند. نویسنده یادداشت بدترستی مطلقه که «در مورد این ضد انقلابیون واژه زندانی سیاسی بکار برده نشود و هر کس چنین کرد، معلوم است که قصد ویژه و خطرناکی دارد.»

* یانو الف. ر. در نامه خود چنین مینویسد: «من یکی از هواداران حزب توده ایران هستم. روز ۱۵ خرداد بنا بدعوت عام حزب توده ایران از یکطرف و دعوت حزب جمهوری اسلامی از طرف دیگر، برای بزرگداشت ۱۵ خرداد عازم شرکت در راه پیمایی شدم. لازم بذکر است که من بنا ببا اعتقادام بی حجاب هستم. روز ۱۵ خرداد هم بی حجاب عازم شدم. وقتی رسیدیم، دیدم سایر خانم های شرکت کننده حجاب پوش هستند. اول دل لرزید و فکر کردم که علیرغم اشتیاقی که داشتم، نمیتوانم در صف وارد شوم و در کنار خواهرهای حجاب پوشم در تظاهرات ضد امپریالیستی شرکت کنم. حتی بخود لعنت فرستادم که چرا حداقل یک روسری با خود برنداشتم، ولی شوق شرکت در این راه-پیمایی، که مظهر اراده خلق بود، مانع از این شد که بتوانم از شرکت در آن خودداری کنم. بالاخره تصمیم گرفتم و جلو رفتم و از یکی از خواهران مسلمانم پرسیدم که آیا من میتوانم با وجود نداشتن حجاب در کنار آنها قرار بگیرم؟ آنها، همانطور که از یک مسلمان واقعی انتظار میرود، مرا با خشنودی بداخل خود پذیرفتند و منم با تمام قدرتم شعار «مرگ بر سه مفسدین، کارتر و سادات و یگین» را سردادم و از شوق این اتحاد و وحدت بوجود آمدم، از دیدن خواهران با حجاب در کنار خود، غرق در افتخار و شادی شدم و سخن امام خمینی در گوشم طنین انداخت که میگفت: «فقط با وحدت کلمه است که میتوان انقلاب را به پیش برد و تمام ریشه های فساد امپریالیسم را از این خاک بیرون کشید.»

رویدادهای ایران

● عناصر ناپاک کمیته ها مزاحم فروش «مردم» میشوند

گزارش گونه يك فروشنده «مردم» با جملات زیرین آغاز میشود: «این مرتبه، چهارمین مرتبه ای است که در کمیته های سالن راه آهن بازداشت می شوم و مثل سابق با توهین و داد و فریاد یکی از افرادی که کمیته، که هیچ منطقی ندارد رو برو می شوم. وی بدون هیچ دلیل موجهی می گوید: - در این محوطه تحت پاسداری من نباید «مردم» بفروشی. فروشنده «مردم» در گزارش خود چنین ادامه میدهد: م مرتبه اول مطالب نشریه «مردم» را بهانه قرارداد بود و می گفت: - ضد انقلابی است. وقتی پس از مطالعه جزو «چرا» آن، هیچ نکته منفی نتوانست بیاید و به او ثابت شد که روزنامه «مردم» انقلابی و در جهت خدمت به مردم است، اجازه مرخصی داد، ولی باز تأکید می کرد که: «در این محوطه نفروش.» مرتبه دوم می گفت: «حزب توده ایران منحل است و رسمی نیست.» وقتی پرسیدم: - آخر مطالبی کدام قانون و از طرف کدام مرجع؟ دلیلش همان حرفهایی بود که رژیم سابق می گفت.

مرتبه سوم که اعلامیه راه پیمایی ضد امپریالیستی حزب توده ایران را داخل سالن نصب می کردیم، باز ما را به کمیته برد پس از بحث و گفتگوی طولانی، از ما خواست که در محوطه تحت پاسداری او (راه آهن) اعلامیه نصب کنیم. این مرتبه هم باز بدلیل روزنامه فروختن در سالن ما را بازداشت کرد و چون دیگر راهی برای مانع شدن نیافت، صاحب کیوسک روزنامه فروشی محوطه راه آهن را تحریک کرد، به این بهانه که شما با فروش روزنامه «مردم» به حقوق این کیوسک روزنامه فروشی تجاوز می کنید، (در صورتی که روزنامه «مردم» این هفته در کیوسک موجود نبود.) اما وقتی صاحب کیوسک پذیرفت، در مواقعی که او روزنامه «مردم» ندارد، ما حق فروختن آنرا داریم، این مأمور کمیته خود سرانه گفت: «چرا اجازه فروش بدهد چه ندهد، شما اصلاحی فروش در منطقه تحت پاسداری مرا ندارید و اگر نه خود حسابتان را می رسم.»

بنظر ما، این سوال بطور جدی مطرح میشود: کارت تصفیه و تزکیه کمیته ها بکجا کشید؟ غذای ناپاک و عناصر مشکوک را کی خواهند خواست؟ بساط خودم حسابتان را می رسم، کی برچیده خواهد شد؟

● هشداری جدی: افراد مشکوک و ساواکی ها آفتابیی میشوند

در جریان انقلاب شورائی بنام شورای موسس کانون کارکنان سازمان انرژی اتمی ایران تشکیل شده بود که به امر سازماندهی اعتصابات و برگزاری برنامه های سخنرانی می پرداخت و با کمیته هماهنگی اعتصابات و سازما نه های دولتی همکاری میکرد.

پس از قیام مسلحانه بهمن ماه، افراد حفاظتی، که هاموریت نگهبانی و کنترل حرکات و رفتار افراد را بعهده داشتند و اغلب آنها مأمورین آشکار ساواک در اداره بودند، فرار کردند و این شورا دفاتر روسا و حفاظت را مأمور عموم نمود تا استاد آن بدست افراد مشکوک نیفتد و بعداً مورد بررسی قرار گیرد.

خبر واصله به «مردم» حاکی از آنست که فردی بنام سعید دیلمقانی، از کارکنان سازمان انرژی اتمی که مشکوک به همکاری با ساواک بود، از طرف کمیته امام و بنام کمیته امام (دقیقاً مشخص نیست که از طرف کمیته امام کدام منطقه، با احتمال زیاد منطقه میدان ولی عصر (میدان ولیعهد سابق) که ساختمان مرکزی سازمان انرژی اتمی در آن منطقه واقع است) همراه با چند نفر مسلح برای گرفتن پرونده های اداره حفاظت به شورا مراجعه کرد، ولی با امتناع افراد شورا مواجه شد و بالاخره با توسل به ارباب و تهدید پرونده ها را تحویل گرفت و برد و پس از چند روز آنها را برگشت داد. منتهی این بار اسناد بسیاری از داخل این پرونده ها خارج شده بودند.

چند روز بعد از این جریانات، از پرونده ای که در یک محل دیگر بدست آمد، سندی مهمی پیدا شد. این سند نامه محرمانه ای بود که این فرد (سعید دیلمقانی)، قبل از برگزاری کنفرانس انرژی اتمی در شیراز، در سال ۱۳۵۵، به رئیس مرکز تحقیقات هسته ای، دکتر سعید مصطفی ظاهرزاده نوشته و خود را مأمور ساواک معرفی نموده و برای کنترل افراد شرکت کننده در کنفرانس و محل کنفرانس پیشنهاد تهیه و نصب بیسیم نموده بود.

پس از بدست آمدن این سند، جریان امر به کمیته امام اطلاع داده شد، و مطابق اطلاعی که تاکنون به ما رسیده، این شخص از کمیته اخراج شده، ولی در مورد دستگیری وی با جزئیاتی از ما خبری اطلاع در دست نیست. چگونه چنین افرادی به کمیته ها نفوذ میکنند؟ این فرد مشکوک پرونده های مهم اتمی را بدست چه کسی و کجا برده و چه اسناد و مدارکی را دیگر برگشت نداد؟ اسناد، بنظر ما، هر چه زودتر باید باین پرسشها دقیقاً توجه شود.

بعلاوه در همین مرکز افراد حفاظتی، که در جریان انقلاب همگی متواری شده بودند و اکثریت قریب با اتفاق آنها خود را مخفی کرده بودند، کم کم اکنون دوباره آفتابیی میشوند و مهم آنکه مجدداً به سرکارهای سابق خود، یعنی حفاظت و کنترل افراد بازگشته اند (تاکنون چند مورد، نظیر بازرسی کشورهای مین کارمندان و استراق سمع که در دوران رژیم گذشته از کارهای خیلی معمولی این افراد بشمار میرفت، مشاهده شده است)، منتهی با این فرق، که سابقاً مسلح نبودند، ولی اکنون هر کدام یک تفنگ ۳- در دست دارند. روسای سابق این افراد حفاظتی هنوز خود را آفتابیی نکرده اند.

آیا باید منتظر آفتابیی شدن رؤسای سرشناس ساواک شد تا تصمیمی گرفت؟ یا اینکه بازسازی و برپا افتادن چرخها، بزعم گردانندگان «آزادپنجاه» دستگاه اداری و دولتی، همین شروع مجدد و خنثی شدن ساواکی های سابق است؟ مردم حق دارند نگران باشند و بخواهند که جلوی توطئه های ضد انقلاب و فعالیت مجدد ساواکی ها، با نام جدید، ولی بسود همان نظام قدیم، گرفته شود.

* دوست دیگری در نامه بی امضای خود مینویسد: «من فکر میکنم گروه های سازمان یافته ای برای ایجاد آشوب و انحراف افکار مردم از جنبه اصلی مبارزه، ضد امپریالیستی، در دانشگاهها و پارکها و جاهای پر جمعیت، مردم را دور خود جمع میکنند و به تبلیغات ضد کمونیستی و ضد نیروهای چپ میپردازند و تاریخچه احزاب و شخصیتها را تحریف میکنند. دوست عزیز! همانطور که خودتان

● سرمایه داری کلان از نظر اسلام مطرود است

بسیاری از سازمانها و شخصیت های ملی ایران، بدنبال ملی اعلام شدن بانکهای خصوصی ایران، ضمن اظهار خوشحالی از این اقدام بحق، اعلام داشتند که سرمایه و سهام غارتگران و دزدانی که در بانکهای خصوصی لانه کرده بودند، نباید پرداخت شود و ضمناً مینویست صنایع وابسته نیز ملی اعلام گردد. از میان اظهار نظرهای مختلف در این زمینه، آقای دکتر باهنر، از رهبران حزب جمهوری اسلامی، مطالبی را در رابطه با ملی شدن بانکها اعلام داشتند که ما قسمتهائی از آنرا می آوریم. وی گفت:

«اصولاً سرمایه داری کلان از نظر اسلام مطرود است و اسلام بهیچوجه موافق سرمایه داریهای کلان و بهره برداریهای زیاد نیست و صورتی که در بانکها عمل میشود، اصولاً مخالف اسلام است، به ویژه که این بانکها تماماً موضع ضد مستضعفین و ضد اسلامی داشتند. ضمناً باید توجه داشته باشیم که سرمایه این بانکها توسط عمال وابسته به دربار و سرمایه دارهای بین المللی تأمین شده، که کلاً از طریق استثمار مردم و غارت اموال آنها بدست آمده بود. مساله ملی کردن بانکها برای ریشه کن کردن سرمایه های نامعقول و جلوگیری از استثمار و غارت اموال مردم لازم بود، البته با اظهار تأسف از اینکه وقتی بانکها را ملی میکنیم که قسمت عظیمی از سرمایه های آنها توسط سرمایه داران بزرگ از کشور خارج شده است و دولت و بانک مرکزی زیر بار قرض و تعهدات سنگین رفته اند، با وجود این، برای اینکه بیش از این خساراتی به مردم تحمیل نشود، مساله ملی کردن بانکها توری تشخیص داده شد.»

آقای بنی صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که «باید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها یا هر چیز دیگر وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور ساخت و بدنه دولت است.»
● خبرگزاری راپها، روزنامه ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند همزمان با سفر سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو به ایران، برای گزارش دهی، خبرگزاریهای خارجی وابسته به جهان سرمایه داری، همچنان که انتظار میرفت، و میروند، با مخبره پیاپی اخبار مجعول و فتنه انگیز، کوشش جدیدی را بدستوار با بان غارتگر خود برای جلوگیری از گسترش روابط دوستی و حسن همجواری ایران و شوروی شروع کردند. در حالیکه آقای پرفسور مکرزی سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو، در مصاحبه خود اعلام داشت که: «در ملاقات یکساعته خود با آندره گرومیکو وزیر امور خارجه شوروی دریافتم که دولت و مردم شوروی از موقعیت انقلاب ایران بسیار خوشحال هستند و آنرا یک حماسه جهانی تلقی میکنند، ساندی تلگراف، که در لندن چاپ میشود، نوشت که «شوروی برای خرابکاری در حکومت اسلامی ایران عده ای از افغانی ها را به

ایران فرستاده است.» همین مجله برای تیره سازی روابط ایران و افغانستان از سوئی و خدشه دار کردن روابط روبه گسترش ایران و شوروی از سوی دیگر، نوشت که «اتحاد شوروی یک پایگاه نیروی هوایی افغانستان را، که در نزدیکی مرز ایران واقع است، برای عملیات خود اشغال کرده و افسران فارسی زبان افغانی را پیش از گذراندن آنها از مرز برای خرابکاری تعلیم میدهد.»

خبرگزاری رسمی شوروی تاس در باره این گزارشهای سرپا جعلی و تحریف آمیز اعلام داشت که «این اخبار جعلی نه تنها سرپا افراسات، بلکه کوششی شریرانه است بمنظور برهم زدن مناسبات دوستانه بین ایران و شوروی و برانگیختن خصومت بین ایران و افغانستان.» همین خبرگزاری اضافه کرد که «گزارش ساندی تلگراف، که منبع خبری آن هم نامعلوم مانده، بازتابی است از جعلیات فتنه انگیز غرب درباره سیاست شوروی در منطقه. نظیر این گزارش قبلاً در روزنامه معلوم الحال فیکارو در پاریس هم چاپ شده بود.»

لازم به یادآوری است که همین خبرگزاریها هنوز در گزارشها و اخبار خود از امام خمینی بعنوان رهبر شیعیان ایران نام میبرند و نه رهبر انقلاب ایران، و باز همین خبرگزاریها و مجلات و روزنامه های وابسته به امپریالیسم جهانی تمام کوشش خود را بکار میگیرند تا این تبلیغ شوم و آشوبگرانه را در داخل مرزهای ایران نیز رسوخ دهند که، امام خمینی فقط رهبر مذهبی است و نه رهبر مذهبی و سیاسی ایران. تأکید آنها روی اینکه امام خمینی رهبر شیعیان است، این سیاست فتنه انگیزانه را دنبال میکند که بین شیعیان و دیگر گرایشهای مذهبی در ایران فرق قائل شود و امام خمینی را فقط رهبر شیعیان ایران قلمداد کند نه سینه مردمی که در ایران زندگی میکنند. نظیر این شیوه فتنه انگیزانه از سوی رادیوی بی بی سی لندن نیز همچنان دنبال میشود.

● دیدارهای فتنه انگیز شاه مخلوع

همزمان با موضعگیری های «چپ» روانه ایران، ازبیل ارتباطی که بین شاه مخلوع و منابع جاسوسی و دولتی امریکا برقرار شده، خبرهایی در سراسر جهان پخش شده و حتی برخی از آنها در روزنامه های ایران نیز انعکاس یافته است. این تماسها در حالی انجام میشود که در اسرائیل پرویز ثابتی، معاون ارشد نصیری معدوم، با کمک سازمان جاسوسی موساد، سرگرم تعلیم و تربیت چریکهای ضد انقلابی برای اعزام بداخل خاک ایران است و همچنین در داخل خاک ایران منابعی نامعلوم سعی دارند رابطه ایران را با همسایگانش تیره کنند و بر مشکلات داخل مرزی ناشی از پیروزی انقلاب، مشکلات جدیدی بیفزایند. در همه این تلاشها از تجاوزهای رژیم بعثی عراق نیز باید نام برد که ظاهراً مبارز طلبی میکند. اخبار منتشر شده درباره شاه مخلوع اینست که هنری کیسینجر، طراح کثیف ترین حقه های سیاسی و طرفدار بی چون و چرای رژیم پهلوی، با تمام غارتگریها و سفاکیهایش، بایک جت اختصاصی وارد باهاما شده و دیگر است به دیدار شاه مخلوع و دیگر توطئه گران همراهش رفته و به مذاکره پرداخته است.

اصل مسئله را که اتحاد همه نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم است، مخفی نگه دارند. تجربه نشان داده است که بیان این اصول، اگرچه در خود آن «گروه های سازمان یافته» «مغرض» تأثیری ندارد، ولی جوانانی را که شاهد بحث هستند، روشن میکند و تیرنفاق افکنان را به سنگ میبشاند.

منحرف نمایند. آنها نمیخواهند مسئله حیاتی روز و مشی عمومی سیاسی و تحلیل ها و چگونگی مبارزه امروز ما برای فردای کشور و خلقمان مطرح باشد. آنها می-کوشند با این قبیل «مشوالات» درباره وقایع ریزو جملات گذرا، اساس مسئله و مشی بزرگ تحول اوضاع و سیاستها و تحلیلها و برنامه ها را زیر پرده ای ازدود، آنها را از گذشته ای دور و بدون امکان تحقیق و بررسی، پنهان کنند و بالجن مالی و توهین

اربابان امپریالیست شاه مخلوع هنوز نسبت به نوکر خود وفادارند

حزب کمونیست مکزیک مبتکر اعتراض به اقامت شاه مخلوع در مکزیک

خبر مسافرت شاه مخلوع از باهاما به مکزیک، که چند هفته قبل در مطبوعات انتشار یافت، با موج اعتراض شدیدی از جانب حزب کمونیست مکزیک و همه نیروهای ترقیخواه وضد دیکتاتوری در آن کشور روبرو گردید. حزب کمونیست مکزیک در همان آغاز انتشار این خبر، کارگران، دانشجویان، روشنفکران و همه اقشار ترقیخواه مکزیک را علیه تصمیم دولت مکزیک مبنی بر اجازه اقامت شاه مخلوع در مکزیک فراخواند و مبتکر تظاهرات اعتراضی گسترده‌ای شد. و به همین علت مسافرت شاه مخلوع به مکزیک نزدیک به دو هفته به تأخیر افتاد و در روز ۲۱ خرداد انجام گرفت.

هنری کیسنجر وزیر خارجه پیشین امریکا، دوست دیرینه شاه مخلوع، و دیوید را کفلر رئیس بانک چایس منهاتن، دوست دیگر شاه مخلوع، از کسانی بودند که برای تدارک و فراهم کردن زمینه این مسافرت به دست و پا افتادند. با اینکه گفته میشود

که کیسنجر از سه ماه قبل بمنظور سخنرانی به مکزیک مسافرت نموده، اما بنا به عقیده محافل مطلع، هدف اصلی مسافرت وی به مکزیک جلب موافقت مقامات مکزیک، و یا بنوشته «واشنگتن پست»، وادار کردن مقامات مکزیک به موافقت با مسافرت شاه مخلوع به این کشور بوده است. تردیدی نیست که تلاشهای کیسنجر و توصیه‌های را کفلر در این مورد، بدون اطلاع و موافقت مقامات رسمی دولت امریکای رئیس‌جمهوری کارتر انجام گرفته است.

با توجه به مواضع و اظهارات هنری-کیسنجر در مورد انقلاب ایران و سرنگونی رژیم خونخوار خاندان پهلوی و موضع سنای امریکان نسبت به احکام دادگاههای انقلابی در محکومیت جانان و خائنین به مردم ایران، کوششهای تازه کارگران امریکاییسم امریکا برای دست و پا کردن مکان امنی برای شاه مخلوع، نشانه آنستکه، امریکاییسم امریکا نسبت به انقلاب

پیر و زمند مردم ایران همچنان در مواضع خصمانه خود باقیست و از هر فرصت استفاده میکند تا به کالبد نیمه جان بازمانده‌های رژیم منقرور و نیروهای ضد انقلاب نسیم امیدوی بدهد.

این رویداد، در عین حال که نمودار برجسته‌ای از دسیسه‌ها و اقدامات خصمانه امپریالیسم امریکان نسبت به انقلاب پیر و زمند در میهن ماست، پیوند و همبستگی انقلابی و معنوی همه نیروهای مترقی و ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی سراسر جهان را، صرف نظر از ملیت و معتقدات مذهبی و سیاسی، با جنبش انقلابی مردم ما متجلی میسازد. و این نکته نیز که حزب کمونیست مکزیک در پیشاپیش جنبش اعتراضی علیه شاه مخلوع و جنبش همبستگی بسا مردم ایران قرار دارد، مؤید این واقعیت است که کمونیستها، درس اسرجهان، در صفوف مقدم مبارزه ضد امپریالیستی و همبستگی با جنبش‌های رهایی بخشی قرار دارند.

در صنایع نظامی چه می گذرد؟

بود، به این تبلیغات و روش دشمنانه اعتراض کرد، که بر اثر این اعتراض دستگیر و با کمیته تحویل داده شد.

این فرد مذهبی پس از چند روز آزاد شد، ولی اعتراض او، که اعتراضی است و اعتراض همه نیروهای راستین انقلابی است، بجای خود باقیست. سازماندهندگان چنین تبلیغات ارتجاعی و ضد انقلابی هستند و چگونه بنمود اجازه میدهند که به چنین اعمالی دست بزنند؟ ما منتظر پاسخ از جانب مقامات مسئول هستیم.

آخر آ در سازمان صنایع نظامی، هم در میدان شهدا و هم در سلطنت آباد، وقایعی روی میدهد که یادآور اعمال ساواک است.

در این سازمان جلساتی تشکیل میگردد بنام «باز آگاهی»، هر هفته دوازده در این «باز آگاهی» علیه کمونیست‌ها و بویژه حزب توده ایران سخنرانی میشود. فیلمهای ضد کمونیستی هم بمعرض تماشاگران درده میشود. در یکی از این جلسات که کار افتراژنی به حزب توده ایران به اوج خود رسیده بود، یکی از حاضران که فردی مذهبی

اخبار کارگری و دهقانی

برای دهقانان مشکین فام باید تعاونی واقعی و مفید ایجاد کرد

شکایت دهقانان مشکین فام (از شرکت سهامی زراعی فرسابق در کردستان) مسئله سر نوشت این شرکتها و وضع دهقانان مقیم را بسار دیگر طرح میکند. همانطور که شرکت سهامی زراعی نزدیک ساری منحل شد. دهقانان مشکین فام نیز که عضو شرکت سهامی زراعی مربوطه هستند و در زمان رژیم سلطنتی فاسد برای نمایش و صحنه‌سازی از آنها استفاده میشد. خواستار تعیین تکلیف قطعی خود میباشند. رسیدگی به حیف و میل و مبالغ کلانی که بالا کشیده شده و جنایات مربوط بکمیته‌های مالی و آموزش‌داری و قالیبافی و چند کارگی ماشین آلات و غیره از خواستهای دیگر این دهقانان است.

شرکت‌های سهامی زراعی که بزور و لیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضد دهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مورد تائید دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا یک نوع بلاتکلیفی، که ناشی از بی برنامه‌گی دولت است، دهقانان این شرکتها را ناراضی میکند. این شرکت‌های سهامی زراعی که بکلی با تعاونیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجباری تحمیلی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

بجای آنها باید تعاونیهای واقعی خود دهقانان زیر رهبری خود دهقانان و به سود خرد دهقانان ایجاد شود.

تشکیل جلسه در «خانه کارگر»

روز ۲۱ خرداد نمایندگان چندین سندیکا در محل خانه کارگر جلسه خود را تشکیل دادند. یکی از نمایندگان توضیح داد که از یکماه و نیم پیش عده‌ای از کارگران تصمیم گرفتند بوضع خانه کارگر سرو سامان داده شود و تعداد زیادی از واحد های کارگری به این تصمیم پیوستند. ضمناً هیئت مؤسسين برای تنظیم اساتنامه خانه کارگر انتخاب شد.

تحصن کارگران شرکت ساختمانی

کارگران شرکت ساختمانی فریمان، ضمن نامه‌ای که با امضاء نمایندگان آنها رسیده است، به روزنامه «مردم» نوشته‌اند، «ما کارگران شرکت ساختمانی فریمان نزدیک به چهار ماه است که از شرکت دستمزدی دریافت نکرده‌ایم و از تاریخ ۵۷/۱۱/۱ شرکت کار را متوقف ساخته و هم‌زایای قانونی کارگران را به بهانه‌های گوناگون نمیپردازد و حتی حق بیمه‌ی کسر شده از دستمزد ما را به بیمه پرداخت نکرده تا کارگران بتوانند دفترچه بیمه خود را تجدید نمایند. کارگران بدادگاه ویژه وزارت کار و امور اجتماعی شکایت کردند. دادگاه رأی به پرداخت کلیه دستمزد عقب افتاده وعیدی سال ۵۷ داد. ولی مدیرعامل خود را در منزل مخفی و طی نامه‌ای به برای دادگاه اعتراض کرد. دادگاه مجدداً تشکیل جلسه داد و رأی قبلی خود را مبنی بر پرداخت کلیه دستمزد عقب افتاده کارگران تا تاریخ ۵۸/۲/۲۰ تأیید و آنرا لازم‌الاجرا دانست. متأسفانه کارفرما حاضر به اجرای حکم دادگاه نیست. از اینجهت ما کارگران تا تعیین تکلیف قطعی در محل شرکت تحصن اختیار میکنیم.»

اصطلاح «ابر قدرتها»

بقیه از صفحه ۶

بوده‌اند و رهایی از بندهای اسارت استعمار امپریالیستی به بهای تحمل رنجهای فراوان و دادن قربانیهای عظیم برای این خلقها تمام شده است.

از سوی دیگر همان تجارب تاریخی مویده‌اند که همه خلقهاییکه بمبارزه علیه استعمار و استعمار امپریالیستی و بخاطر کسب استقلال ملی و آزادی برخاسته‌اند، مورد پشتیبانی بدون قید و شرط کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی قرار گرفته و از کمکهای بیدریغ معنوی و سیاسی و اقتصادی و نظامی آنها برخوردار بوده‌اند.

دولت اتحاد شوروی، از همان نخستین روز تشکیل خود، سیاست خارجی خویش را سیاست صلح و دوستی میان ملل جهان اعلام نمود. لنین بزرگ، رهبر انقلاب کبیر اکبر و بنیان گذار دولت اتحاد شوروی، سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان دول دارای نظامهای اجتماعی متفاوت را پایه گذاری نمود و این سیاست تا به امروز پایه و اصول مناسبات اتحاد شوروی را با کشورهای دیگر تشکیل میدهد. دولت اتحاد شوروی ضمن اجرای پیگیری این سیاست، در عین حال همواره از جنبشها و مبارزات حق طلبانه خلقها در راه آزادی و استقلال پشتیبانی کرده و می‌کند. نمودارهای بارز این پشتیبانی و کمک‌رسانی میتوان از همان نخستین روز استقرار دولت شوروی، از جمله در مورد مین ما مشاهده نمود. پیروزی بر فاشیسم و نجات خلقهای اروپا از اسارت فاشیستی را خلقهای جهان مرهون فداکاریهای حماسه آمیز مردم و دولت شوروی هستند. ادامه دارد.

نخواهد کرد و راه را برای پیشرفت هموار نخواهد ساخت.

حزب توده ایران، که یکی از پیگیرترین مبارزانی است که صادقانه در راه به ثمر رساندن انقلاب بزرگ مردم ایران بسود خلق میکوشد، هم در برنامه خود که در چهار سال پیش به تصویب رسیده و هم در اسناد پلنوم شانزدهم و سایر اسناد رسمی وهم در مطبوعات

ملی کردن را باید گسترش داد

بقیه از صفحه ۱

در حکم تأیید و قانونی کردن این غارتگریها، به معنای ایجاد کلاه شرعی برای مشروع جلوه دادن درآمدهای نامشروع و بالاخره بمشابه دهان کجی به انقلاب مردم زجر کشیده و غارت شده ایران است.

البته در قانون ملاک‌هایی بنام «مشروعیت» و «مشروطیت» برای تشخیص قانونی بودن مالکیت و به اصطلاح «تسلیط» صاحبان بانک‌ها در نظر گرفته شده است. ولی بدرستی معلوم نیست مجریان قانون برای تشخیص خود این «مشروعیت» و «مشروطیت» چه ملاک‌هایی را بکار خواهند برد؟ آیا این غارتگران نیزکنان بازحرفهای برای احراز «مشروطیت» و اثبات «مشروعیت» سرمایه‌ها و اموال غارتی خود، روزنه‌ها و حفره‌های لازم را پدید خواهند کرد؟ آیا در این اوضاع و احوال بهتر نیست که دولت بوسیله کارشناسان مطمئن، حسابرسان باایمان و حتماً و حتماً بسا مشارکت ویاری نمایندگان واقعی کارکنان بانکهای خصوصی به حساب این بانک‌ها رسیدگی کند و نتایج آنرا در معرض افکار عمومی بگذارد؟ (بخصوص که درباره اقدام افسانه‌گرا کارکنان بانک‌ها در زمان رژیم گذشته تجربه خوبی در دست داریم).

بهر حال ما معتقدیم که دولت باید سهام این قبیل شیادان را بدون هیچگونه گذشت و اغماض مصادره کند، اما در مورد کسانی که دارای سهام ناچیزند (مانند کارمندان بانک‌ها) و یا سرمایه‌داران کوچک و متوسطی که نه سهام فراوان و نه نقشی در اداره بانک‌ها داشته‌اند، ما برآنیم که دولت باید حقوق و منافع آنان را کاملاً حفظ کند و برحسب تمایل این افراد یا سهام آنان را باز خرید نماید و یا با تبدیل این سهام به سپرده‌های مدت‌دار، طبق قوانین و مقررات، بهره عادلانه به آنان بپردازد.

هدف ملی کردن، ملی کردن بانک‌ها خود بخود گویای چیزی نیست. قاسال ۱۳۲۸ (زمان تأسیس بانک بازرگانی، اولین بانک خصوصی ایرانی)، صرف نظر از بانک خارجی، بانک‌های ایران تماماً دولتی بودند. ولی این بانک‌ها جز انباشتن کسبه‌های گنبد و بی‌انتهای بازرگانان و کارخانه‌داران و زمینداران بزرگ، که خاندان پهلوی در راس آنها قرار داشتند، کاری انجام نمیدادند.

از این رو است که ملی کردن میتواند هدف‌های کاملاً متفاوت و حتی متضاد را تعقیب کند. ملی کردن میتواند برای

کوناه کردن دست گروه‌های معینی از سرمایه‌داران (مثلاً سرمایه‌داران بزرگ و از جمله سرمایه‌داران وابسته) از رشته‌های معین اقتصادی (مثلاً صنایع کلیدی، بانک‌ها و غیره) بمنظور تأمین رشد اقتصادی بسود اکثریت مردم و بخصوص زحمتکشان باشد، و یا برای نجات گروه‌های معین سرمایه‌داران و رشته‌های معین اقتصاد از بحران و ورشکستگی بپسب اکتزیت مردم و بخصوص زحمتکشان.

بطوریکه از اظهارات مقامات رسمی دولت موقت برمیآید، این دولت در اجرای قانون، هدف نجات صاحبان اصلی بانک‌ها را نیز در مد نظر دارد.

ولی ما طرفدار نوع اول ملی کردن هستیم. از بانک‌های ملی شده و بطور کلی از سیستم بانکی که اکنون در اختیار انحصاری دولت است، باید برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، رشد هماهنگ و موزون و همه‌جانبه و مستقل تمام رشته‌های تولیدی، گسترش ساختمان‌های زیربنایی، توسعه مسکن، مدرسه، بیمارستان و سایر وسایل رفاه عمومی و بالا بردن سطح زندگی توده زحمتکش استفاده شود. سیستم بانکی، برخلاف گذشته، نباید وسیله غارت توده مردم، تراکم و تمرکز سرمایه در دست عده‌ای معدود، وابستگی اقتصادی به انحصارها و کشورهای امپریالیستی و انتقال ثروت‌های ملی به خارج از کشور گردد.

ملی کردن را باید گسترش داد. ملی کردن نباید به بانک‌های خصوصی محدود شود. صاحبان اصلی این بانک‌ها همان سرمایه‌داران بزرگ و وابسته‌ای بودند که در دوران رژیم خائن و جنایتکار پهلوی و بیاری و پشتیبانی آن، زالوار خون مردم را میکشیدند، و زمانی که هوارا پس دیدند، مبالغ هنگفتی از ثروت‌های باد آورده خود را به اروپای غربی و امریکای شمالی، وطن‌های اصلی خود، منتقل کردند. خاندان فرمانفرمایان که سهامدار عمده چهار بانک (بانک صنایع ایران، بانک تهران، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، بانک توسعه سرمایه‌گذاری ایران) بودند، در عین حال سهامداران بزرگ ۷۸ کارخانه و موسسه دیگر هم هستند؛ خاندان خسروشاهی اگر در پنج بانک (بانک ایران، بانک توسعه سرمایه‌گذاری ایران، بانک ایران و عرب) سهامدار عمده بودند، اکنون ۶۲ کارخانه و موسسه دیگر را نیز بدنبال خود یدک میکنند؛

خاندان ثابت از سهامداران عمده پنج بانک و ۲۸ کارخانه و موسسه دیگر بودند؛ همچنین است خاندان لاجوردی‌ها، رضائی‌ها، فولادی‌ها، وهاب‌زاده‌ها، اخوان‌ها، تیمورتاش‌ها، خیامی‌ها و...

این بزرگ کیسه‌ها، که به اعتراف دولت، از طریق بانک‌های خود اقتصاد ملی را برهم زدند، انحصارهای خارجی را بر میهن ما مسلط کردند، کشور را چابیدند و بخارج بردند، از چهرای این بانک‌ها را بدست آوردند؛ جز از راه درآمدهای نامشروع از صدها کارخانه و موسسه‌ای که هنوز هم طبق قاعده «تسلیط» در اختیار دارند این کارخانه‌ها و موسسات، بانک‌ها را بوجود آوردند و این بانک‌ها بنوبه خود بر تعداد کارخانه‌ها و موسسات افزودند. از اینجا است که این کارخانه‌ها و موسسات هم باید بدنبال بانک‌ها ملی شوند.

شکفت آنکه، سخنگویان دولت موقت، هر زمان که از بزرگ غارتگران سخن میگویند، فقط به یاد هر بزرگزدانی و علی خرم میافتند. گوئی فقط این نوکیسه‌های «بی‌اصل و نسب» هستند که مردم و کشور را چابیده‌اند و نه خاندان‌های کهنه کیسه‌ای که نامی و نشانی بر پیشانی دارند.

پس از ملی کردن، با ملی کردن بانک‌ها کار پایان نمی‌پذیرد. این آغازی است برای کار، کاری، بس دشوارتر از ملی کردن. بانک‌ها را باید نخست در پشت میز وطنی یک قانون دو ماده‌ای میتوان ملی اعلام کرد. ولی برای استفاده از این بانک‌ها باید سیاست و تدبیر و برنامه داشت. سیستم بانکی هر قدر هم مهم و حیاتی باشد، بهر حال جزئی است از کل؛ عضوی است از یک ارگانسیم پیچیده اقتصادی.

اگر دولت صنایع را با کشاورزی پیوند ندهد، اگر این دو را بازار و آب و برق تجویز نکند، اگر تمام این‌ها را با نیروی کار تأمین نکند، اگر نیروی کار را با خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و بهداشت و فرهنگ سیراب نکند، اگر تولید را با مصرف هماهنگ نسازد، اگر عرضه را با تقاضا آشتی ندهد، اگر تعادل بودجه و توازن بازرگانی خارجی و موازنه پرداخت‌ها را تأمین نکند، اگر مناسبات اقتصادی و روابط بازرگانی خود را با کشورهای خارجی بر اصول برابری و نفع متقابل مبتنی نسازد و از سیاست یکسو به غرب تگری چشم نبوشد و... و خلاصه اگر دولت بی‌برنامه باشد و یا برنامه سنجیده و علمی نداشته باشد، ملی کردن بانک‌ها، هر قدر هم با حسن نیت انجام گرفته باشد، دردی را درمان

بقیه از شماره پیش

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

درباره خطر فاشیسم

ضربتی که انقلاب ایران به امپریالیسم و قبل از همه به امپریالیسم آمریکا وارد آورده، بسیار سنگین است. آنان به این آسانی حاضر به پذیرش این واقعیت نیستند که ایران را از دست داده‌اند. تلاش آنان برای بازگرداندن آب رفته به جوی، شبانه روزی است. دشواری که انقلاب ایران پس از نخستین بیروزی با آن روبرو شده، وجود حکومت دو گانه و کشاکش جناحهای مختلف، محافل امپریالیستی را امیدوار و تشویق میکند.

روشن است که این دخالت در لحظه کنونی نمیتواند علنی و رسمی باشد، لذا امپریالیست‌ها توطئه چینی و فتنه انگیزی پشت پرده را ترجیح میدهند و به کار ایدئاتی، خرابکاری، ایجاد زمینه فکری و ضد انقلابی مشغولند. آنان درباره فردای انقلاب تخم یاس در میان مردم میافشانند و به پختن این شایعه مشغولند که «خود آمریکا جاخالی کرده»، «قدرت اصلی هنوز در دست خود آمریکائی‌هاست»، «تسلیم ارتش، نقشه بوده...» و عمل ساواک و ماسا از یکسو میکوشند در کمیته‌های انقلابی و سایر سازمان‌های نظیر آن رسوخ کرده آنها را تضعیف و بدنام کنند، از سوی دیگر هوار بر میدارند که این کمیته‌ها بدرود نمیخورند و کار آنها دخالت در امور دولت است، آنان از یکسو در کار تأمین حقوق خلقهای ایران اخلاص میکنند و از سوی دیگر بنام تأمین حقوق خلقی، محافل ناآگاه را به اقدامات افراطی تشویق مینمایند.

مهمترین پهنه‌وسرپوشی اقدامات ضد انقلابی امپریالیست‌ها در لحظه کنونی، «دفاع از حقوق بشر» است که بطور مشخص بصورت دفاع از آزادیهای بورژوازی در برابر خطر «فاشیسم» که گویا صدای نعلین آن بگوش میرسد، تجلی میکند. بدون تردید بسیاری از کسانی که عامل امپریالیسم نیستند و امروز از خطر یک دیکتاتوری دیگر - بجای دیکتاتوری شاه - میترسند، و لذا وقتی مایکوثیم که مهمترین بهانه امپریالیسم برای خرابکاری در انقلاب ایران در لحظه کنونی، دفاع از «حقوق بشر» و «دموکراسی بورژوازی» است، بیچوجه این ادعای میان تپه را مطرح نمیکند، دفاع از آزادی و دموکراسی بسود امپریالیسم است، بلکه روی این واقعیت انگشت میگذاریم که، آن جریان سیاسی هدایت شده‌ای که در کشور ما، پس از انقلاب بهمن، زیر نام مقابله با فاشیسم، «دیکتاتوری نعلین»، «دفاع از حقوق بشر» و «آزادی مطبوعات» و غیره براه افتاده روز بروز شکل میگردد، برای دفاع واقعی از حقوق بشر و مقابله با فاشیسم نیست، بلکه برای تضعیف انقلاب ایران است، که خطر فاشیسم درست در بطن آن خوابیده است.

مسئله را از نزدیک بررسی کنیم:

چنانکه میدانیم امپریالیسم آمریکا، از مدتی پیش، بخشی از سیاست خارجی و فعالیت ایدئولوژیک خرابکارانه خود را بر دفاع از «حقوق بشر» استوار کرده است. و این امر تصادفی نیست. سیاست پردازان انحصارات امپریالیستی در تدوین این سیاست دو نکته را در نظر داشته‌اند: یکی اینکه انقلاب‌های عمیق ضد امپریالیستی در زمان ما، مضمون ضد سرمایه‌داری و یا لاقصد سرمایه‌داری بزرگ پیدا میکند و چنین انقلابی نمیتواند در اشکال و قالب‌های از پیش ساخته و بطریق اولی در قالب‌های دموکراسی بورژوازی اسیر یماند. یک تصمیم و اقدام انقلابی، و واقعه ضد امپریالیستی، ممکن است (و محتمل تر است) که از نظر شکل بنا به ادعای دموکراسی بورژوازی تطبیق نکند و لذا میتوان مضمون ضد امپریالیستی و مردمی اینگونه تصمیمات را، از طریق دفاع از دموکراسی بورژوازی، مورد حمله قرار داد، و دیگر اینکه، برخی ظواهر دموکراسی بورژوازی در ذهن محافل معینی از روشنفکران و قشر متوسط شهری بقلبت بعنوان تنها شکل دموکراسی جا گرفته، و لذا از طریق دفاع از این ظواهر، میتوان قشر قابل ملاحظه‌ای را به حرکت درآورد و در زیر سایه آن پنهان شد. با این حساب است که امپریالیسم آمریکا شمشیر باصطلاح دفاع از حقوق بشر را نیز کرده و میکوشد هر اقدام انقلابی را به بهانه اینکه موافق موازین دموکراسی بورژوازی نیست، و نمیتواند باشد، تخطئه کند و قشر قابل ملاحظه‌ای از روشنفکران بورژوا و محافل بالنسبه وسیعی از قشرهای متوسط شهری را بدینال خود بکشاند. سخن بر سر مدل حکومتی است که باید جانشین رژیم سرنگون شده باشد. بورژوازی لیبرال ایران، که مورد حمایت سرمایه‌داری بین‌المللی است، در حرف مدل اسپانیایی پس از فرانکو و یونان پس از سرنگان را وعده میدهد، که در آن تمام مناسبات اقتصادی و اجتماعی سابق، همه مالکیت‌های بزرگ سرمایه و پیوند با سرمایه‌داری جهانی بجای خود میماند، ولی شکل حکومت از دیکتاتوری فردی شاه به دموکراسی بورژوازی (یعنی دیکتاتوری بورژوازی) تغییر می‌یابد. مدافعین این مدل مدعیند که، مدل مقابل آن فاشیسم است.

انکار نکنیم که حتی اسم فاشیسم موبرتر هر ایرانی راست میکند. ۲۶ سال حکومت چنانیکارانه شاه مخلوع پس از کودتای ۲۸ مرداد، و بطور کلی بیش از پنجاه سال سلطنت مستبدانه خاندان منفور پهلوی، مردم ایران را بپتق نسبت به روش‌های فاشیستی حکومت حساس کرده، (و این بجای خود بسیار خوب است) و این حساسیت قابل بهره برداری است. ولی هر ایرانی ضد فاشیست، هر کسی که از بازگشت گذشته به برشکلی از اشکال - تکران است، باید با دقت مراقب باشد

پذیرش ایران به جنبش...

بقیه از صفحه یک

زدائی به همه قاره‌ها اقدام میکنند. در بخش «خلع سلاح و امنیت» اعلامیه سیاسی پنجمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در کلمبو آمده است که، مسابقه تسلیحاتی با مساعی کشورهای غیر متعهد بخاطر استقرار نظام نوین در روابط اقتصادی بین‌المللی مغایرت دارد.

ما ضمن تأیید اقدام دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در پیوستن به جنبش کشورهای غیر متعهد، یادآور میشویم که برای مشخص کردن هرچه بیشتر خط مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت ضد امپریالیستی، احیاء روابط دیپلماتیک با کوبا، کشور مهماندار شرکت کنندگان در کنفرانس آینده کشورهای غیر متعهد، شناسائی و برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری دموکراتیک خلق یمن و روشن

که خطر فاشیسم از کجاست؟ نکند درست در مدل «دموکراسی» نهفته باشد؟! بنظر ما، مدل اسپانیا اولاً آن چیزی نیست که مردم ما میخواهند و میخواهند. انقلاب ایران شبیه مرک فرانکو نیست. در این انقلاب تغییر مناسبات اجتماعی - اقتصادی مطرح بود و مطرح است. ثانیاً مدل اسپانیا، در کشور ما، فقط وعده است، زمینه چینی است برای بازگرداندن رژیم استبدادی.

دموکراسی بورژوازی به این دلیل در اسپانیا با موفقیت پیاده شد که جنبش ضد فرانکو، خصلت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری نداشت. برعکس بخت بزرگی از سرمایه‌داری انحصاری بین‌المللی و سرمایه‌داری بزرگ اسپانیا، با فرانکو زدائی، موافقت داشت. اسپانیای زمان فرانکو، بعنوان یک کشور فاشیستی، که با رژیم هیتلری همکاری نزدیک داشته، با اروپای پس از جنگ به آسانی جوش نمیخورد. مردم اروپای غربی نمیتوانستند گسترش مناسبات با فرانکو را هضم کنند. شرکت رسمی اسپانیای فرانکو در «نافو»، بازار مشترک و نظایر آن، دشواریهای فراوان داشت. اما اسپانیای «دموکرات» میتواند به آسانی به خانواده سرمایه‌داری بزرگ اروپا بپیوندد و خودی باشد. و از اینجا بود که سرمایه‌داری جهانی از گسترش دموکراسی بورژوازی در اسپانیا، ضمن حفظ و تحکیم مناسبات سرمایه‌داری در آن، حمایت کرد.

جنبش انقلابی ایران قبل از هر چیز ضد امپریالیستی است و این خصلت با پیشرفت انقلاب، خواه و ناخواه تشدید خواهد شد. ایران پس از شاه (برخلاف اسپانیای پس از فرانکو) باید پیمانهای اسارت‌بار امپریالیستی را لغو کند، از یلوه نظامی امپریالیستی بیرون رود، از سرمایه جهانی دورتر شود. ایران پس از شاه را نمیتوان در اشکال دموکراسی بورژوازی اسیر دست امپریالیست‌ها کرد. در کشورهای مانند ایران، حکومت وابسته به امپریالیسم فقط میتواند بصورت حکومت دیکتاتوری بر سر کار بماند و لاغیر، بهمین دلیل است که حکومت‌های اینگونه کشورها، هر چه وابسته‌ترند، فاشیستی‌ترند. ریشه فاشیسم این کشورها در متروپل امپریالیستی است. خطر فاشیسم نیز از همانجا بر میخیزد.

برعکس، رژیم ضد امپریالیستی، رژیمی که به حمایت توده‌ها برای مقابله با امپریالیسم نیازمند است، نمیتواند فاشیستی باشد. دموکراسی واقعی در کشوری مثل ایران الزاماً باید خصلت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌های بزرگ داشته باشد. و اگر حکومتی - صرف نظر از شکل آن - چنین خصلتی داشت، نمیتواند فاشیستی باشد.

بنابراین، خط فاصل نیروهای هوادار فاشیسم و دشمن فاشیسم، سرانجام همان خط فاصل نیروهای هوادار امپریالیسم و دشمن امپریالیسم است. محافل وابسته به بورژوازی لیبرال ایران این واقعیت را انکار میکنند. آنها در عین حال که مخالف لغو قرارداد درجانبه ایران و آمریکاهمه قراردادهای اسارت‌بار امپریالیستی‌اند و از سرمایه‌های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» دم میزنند. اما اگر کمی در همین ادعای آزادیخواهی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از هم اکنون نطفه‌های استبداد در آن پنهان است. همین مدافعین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شمربانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ بقایای ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اصرار میورزند، قوانین سابق را - لاقصد درباره حزب توده ایران - تا وقتی لغو نشده‌اند (!) معتبر میدانند، و یامانند آقای سنجابی، «قانون» تازه‌ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون «وابسته» است، غیر قانونی است! تردیدی نیست که امثال آقای سنجابی، نه فقط معنای وابستگی را - بنابه تجربه شغلی خود - بدرستی میدانند، بلکه علاوه بر آن - بازم بنابه تجربه شغلی خود - میدانند که حزب توده ایران را با اشاره انگشت کوچک نمیتوان غیر قانونی کرد. هر کس که غیر قانونی دانستن حزب توده ایران را بر سرش راه دهد، قطعاً به همراه آن فکری ایجاد دستگاه جنایتکار ساواک شاه را نیز بر خود راه داده و قطعاً به این نتیجه رسیده است که، برای مبارزه با حزب توده ایران، دستگاه تروری بزرگتر از ساواک لازم است، که تازه آنها عاجز خواهد ماند.

گروهک‌های مائوئیستی، که در دست بورژوازی لیبرال‌اند و کوجه‌ها را پیش‌پای فاشیسم آب و جارو میکنند، برای توجیه مواضع بورژوازی لیبرال و تضعیف اردوی ضد امپریالیستی، «تئوری‌های» عجیب و غریب «مارکسیستی - لنینیستی» میسازند. بنابه ادعای آنها خطر فاشیسم از جانب خرده بورژوازی ضد امپریالیستی است و نه از جانب امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن. این گروهک‌ها برای «اثبات» این ادعای خود که خطر فاشیسم از سوی خرده بورژوازی است، یادآوری میکنند که خرده بورژوازی تکیه‌گاه فاشیسم است. اما با کمی دقت میتوان دریافت که این «دستدل» فقط شیادی است. درست است که خرده بورژوازی میتواند تکیه‌گاه فاشیسم قرار گیرد، اما درست نیست که فاشیسم حکومت خرده بورژوازی ضد امپریالیستی است. برعکس، فاشیسم حکومت تجاوز کارترین جناح انحصارات امپریالیستی است. خرده بورژوازی وقتی تکیه‌گاه فاشیسم میشود که طبقه کارگر نبرد برای جلب خرده بورژوازی را بیازد و این قشر زیر نفوذ بزرگترین انحصارات امپریالیستی قرار گیرد. لذا حزب طبقه کارگر موظف است که سیاست درستی درقبال این قشر پیش گیرد. در کشور ما که دشمن اصلی امپریالیسم است، اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی امکان واقعی است.

گروهک‌های مائوئیستی، که ما را از فاشیسم میترسانند، در جهت تقویت مواضع سرمایه‌داری انحصاری، اخلاص در اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و پیوستن هر چه بیشتر قشرهای خرده بورژوا به سرمایه‌داری بزرگ تلاش میکنند، و این راه است که به فاشیسم می‌رود! این همان راهی است که همه گروهک‌های مائوئیستی در تمام کشورهای دنیا از آن راه رفته‌اند.

ادامه دارد

کردن روابط سیاسی بالایی از اقداماتی است که ضرورت فوری دارند. در همانحال دولت باید برای لغو همه پیمانهای نظامی و تسلیحاتی، بویژه پیمان نظامی دو جانبه با آمریکا اقدام فوری بنماید. برای جلوگیری از هرگونه مداخله و تهدید استقلال و امنیت کشور، دولت موقت موظف است در برابر اقدامات تحریک آمیز امپریالیسم آمریکا در منطقه بویژه گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه و تصمیم دولت آمریکا مبنی بر تشکیل و اعزام نیروهای مسلح ویژه به منطقه خلیج فارس، موضع مشخصی و قاطع اتخاذ کند و در مقابل این اقدامات مداخله‌گرانه، ماجرا - جویانه و خطرناک به مقابله جدی برخیزد. تاکید این نکته نیز لازم است که انعقاد پیمان دوستی و عدم تعرض میان ایران و کشورهای همجوار، به استقرار روابط حسن همجواری و جلوگیری از هرگونه اخلاص و تحریک در مناسبات ایران با کشورهای همجوار، بر تحکیم استقلال و حاکمیت ما و سرانجام به حفظ صلح و امنیت در منطقه کمک موثر خواهد کرد.

بر خوردن ما به شیوه...

بقیه از صفحه یک

آن حزب شده‌اند و از اینکه، بنا به یک اصطلاح اروپائی، «سوار قطار عوضی» بودند، به بخت خود و همه جهان لعنت بفرستند، در کین و دشمنی نسبت به آن حزب انقلابی کمتر از دسته اول نیستند.

بهمه این نیروها باید امپریالیسم و عمال در پرده و بی‌پرده آنرا افزود که «آنتی کمونیسم» محور مرکزی سیاست تبلیغاتی آنهاست و هزارها تئوری باف و شیور تبلیغاتی جهانی در اختیار دارند.

علاوه بر این دشمنان، حزب‌دارای مخالفان سیاسی است که از «چپ» یاراست سیاست وی را نمی‌پسندند و مورد انتقاد قرار میدهند.

متأسفانه در کشور ما هر سوم است که مبارزه سیاسی، گاه به صورت بهتان زنی و افترا بندی در می‌آید. کسانی بجای مواجهه منطقی با نگرش عمومی و مشی سیاسی حزب، صاف و ساده، حملات شخصی یا بازی با وقایع بمنظور منظره سازیهای ناروارا وسیله کار قرار میدهند.

در صورتیکه اصل قضیه، موضع سیاسی و اجتماعی حزب در گذشته و حال است، اگر بالفرض، این موضع درست باشد، در آن صورت معایب افراد و وقوع

اشتباهات جدا گانه که بخودی خود دارای اهمیت است، نمیتواند و نباید مانع قضاوت مثبت عمومی در باره آن سازمان سیاسی باشد و اگر برعکس، این موضع نادرست است بودن افراد «نیک» و «وجه المله» قادر نیست جهات ارتجاعی یا محافظه کارانه آن حزب را توجیه و تبرئه کند.

آری، مطلب بر سر اشخاص و وقایع جدا گانه نیست، بلکه مطلب بر سر عمل کرد تاریخی و اجتماعی یک حزب سیاسی است که در مشی فمالت و مبارزه‌اش بازتاب دارد.

روش ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان‌گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتاب علیه آن سیاه کرده‌اند، اتکا به قضاوت منصفانه توده‌ها، و داوری بی‌امان تاریخ است. ساواک با انتشار انواع مجعولات سعی داشت رژیم پهلوی را بحد اعلا بیاراید و احزاب سیاسی اپوزیسیون و بویژه حزب ما را بحد اعلا بیالاید. ولی دست پرده در زمان همه چیز را بموقع خود بر ملا کرد. زمان قاضی منصف وی رحمی است.

ما در مقابل افتراء زنان رنگارنگ و بخاطر بازیهای حسابگرانه آنها وارد میدان جنجال نمی‌شویم و وقت عزیز حزب و ستونهای مقدس ارگانهای حزب را بزای پاسخگویی به حملات بی‌اساس آنها تلف نمی‌کنیم. ما تنها زمانی و تنها در حدودی به انتسابات وارده از سوی دشمنان با مخالفان پاسخ میدهم، که آنها برای پیشرفت سیاست حزب ضرور میشویم. مادر دام این بازی دشمن، که وقت و انرژی ما را با شرکت در اتهام یراکنی‌های بی‌پایان، بعیت مصرف کند، نخواهیم افتاد.

البته ما به سؤالاتی که درباره حزب و تاریخ آنست، با انتشار جزوات و کتب و مقالات لازم پاسخ خواهیم داد، افراد کاملاً با حسن نیت و جوینده‌ای وجود دارند که در اثر ادامه تبلیغات یکجانبه علیه حزب، در ذهنشان سؤالات فراوانی مطرح است. ما خود را موظف میشویم که با خلوص و صمیمیت به واقفیت، با آنها توضیح بدهیم. ما با کسی از صراحت و راستی نداریم، زیرا صداقت و حقیقت تاریخی راه ما، بر خود ما روشن است و ما مطمئناً که بر شکاکان و کجباوران نیز روشن خواهد شد.

با بخت و مناظره جدی و اصولی و علمی موافقیم. با کارزار هو و جنجال و افتراء و سسسته نه موافقیم و نه در آن شرکت می‌کنیم. همه رفقا و دوستان حزبی نیز باید همین اسلوب را در قبال دشمنان و مخالفان اکیداً مراعات کنند.

رویدادهای جهان

وصلت صهیونیسم و راسیسم

خبرگزاری فرانسه از کیپ تاون گزارش داد که سفیر اسرائیل در آفریقای جنوبی اعلام کرد که همکاریهای نزدیکتر میان دو کشور در برنامههای گستردهای در پیش دارد. وی همچنین گفت که اسرائیل از همکاریهای خلاق میان دو کشور، که بر اثر سفر جان فورستر نخست وزیر سابق آفریقای جنوبی (در سال ۱۹۷۶) به اسرائیل شروع شد، خوشنود است. بدین ترتیب میان زمامداران صهیونیست اسرائیل و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در زمینههای گوناگون همکاریهای صمیمانه وجود دارد.

و آثار این همانندی میان صهیونیسم و نژادپرستی

در حملات هوایی اسرائیل به جنوب لبنان حداقل چهار نفر کشته شدند. اسرائیلی شرکت داشتند و بموجوب گزارشهای نخستین، ده نفر بر اثر این حملات زخمی شده اند. هواپیماهای اسرائیلی، که آمریکا در اختیار رژیم صهیونیست آن کشور گذاشته است، نبطیه و پنج روستای نزدیک آن را بمدت نیم ساعت مورد حمله قرار دادند.

در زمینه دیپلماسی نیز اسرائیل و قیحهانه دست به تهاجمهایی زده است بنوشته روزنامه الانباء، چاپ کویت، اسرائیل به لبنان اولتیماتوم داده است که به دعوت مناخیم بنیم دربارۀ شروع گفت و گو بمنظور انعقاد «پیمان صلح» میان دو کشور پاسخ رسمی دهد.

این دومین بار است که بگین الیاس سرکیس را به انعقاد پیمان به اصطلاح صلحی نظیر آنچه میان اسرائیل و مصر منعقد شد، دعوت می کند.

الانباء سپس با استناد به قول منابع لبنانی در بیروت نوشت که موعدا تمام حجت اسرائیل به لبنان روز نوزدهم ژوئن منقضی می شود، که درست همزمان با تمام مدت مأموریت نیروی پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان است.

واکنش فلسطینیها، اعراب دربار بر تجاوزات و توسعه طلبیهای گستاخانه اسرائیل در ابعادی فزاینده ادامه دارد.

یاس عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، در نامه ای که به کورت والد هایم، دبیر کل سازمان ملل متحد فرستاد، قطع عملیات تجاوز کارانه اسرائیل را علیه مردم فلسطین و لبنان و حمایت از حقوق مردم فلسطین را خواستار شد.

ابوعمار در این نامه، که از طرف هیئت نمایندگی کویت تسلیم والد هایم شد و انتشار یافت، حملات وحشیانه هواپیماهای اسرائیل را به روستاهای جنوب بیروت، همچنین به جنوب لبنان بویژه مناطقی که نیروهای سازمان ملل متحد در آن استقرار یافته اند و عملیات راهزنانه اسرائیل را در درون قلمرو لبنان تشریح کرد.

روزنامه السیاسه، چاپ کویت، نوشت که اتحاد شوروی اخیراً پیشنهاد آمریکا را دربارۀ تجدید فکر تشکیل کنفرانس ژنو برای خاورمیانه، رد کرد. السیاسه نوشت که اتحاد شوروی و کشورهای عرب اکنون خواستار آنند که اجلاس شورای امنیت سازمان ملل برای اصلاح مجدد مصوبات این شورا تشکیل شود و این اصلاح بگونه ای باشد که پیش از شروع هر گونه مذاکره ای، حقوق فلسطینیها را قطعاً برسمیت بشناسد.

به گزارش تاس، فاروق قدومی رئیس دفتر سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین، در مصاحبه ای با هفته نامه الحوادث، چاپ بیروت، اعلام کرد که روش کشورهای سوسیالیستی در پشتیبانی از جنبش مقاومت فلسطین در برابر اسرائیل، ستایش انگیز است. قدومی تصریح کرد که اتحاد جماهیر شوروی همیشه مشکلات فلسطینیها را مورد توجه قرارداده است.

مراکز توطئه علیه ایران و افغانستان

خبرگزاری یونایتد پرس با استناد بر گزارش خبرگزاری تاس اعلام کرد که کارشناسان آمریکایی در اردوگاههای ویژه پاکستان به تعلیم شورشیان افغانی اشتغال دارند.

تاس همچنین گزارش داد که دولت افغانستان مدارک و اسناد وسالهایی را که از شورشیان این کشور به غنیمت گرفته، در معرض نمایش گذاشته است. بگزارش تاس، این سلاحها علائم ساخت آمریکا، انگلیس، چین و پاکستان را دارند.

تاس متذکر شد که واقعیتها بیانگر آن است که امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی بعضی از کشورهای محافظه کار و مائوفیستی چین در این اقدامات تجاوزکارانه علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان مشارکت دارند.

خبرگزاری شوروی سپس اعلام کرد که کشاورزان، کارگران و دانشجویان افغانستان به دفاع از دستاوردهای انقلاب آوریل برخاسته اند و از هر گونه حمایتی از مسئولان و نیروهای مسلح کشور خود دریغ نمی ورزند.

از طرف دیگر، بگزارش تاس و خبرگزاریهای دیگر، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، ضمن صدور اعلامیه ای، مهلت بازگشت فراریان این کشور را تا اول ژوئیه تمدید کرد.

دربارۀ تحریکاتی که علیه ایران و جنبش انقلابی آن به رهبری امام خمینی صورت می گیرد، حتی باربارا والترز، خبرنگار معروف شبکه تلویزیونی آن. بی.سی. آمریکا، گزارش داد که مصر و اسرائیل پنهانی و بالاتفاق دست اندر کار تعلیم افسران و افراد فراری ارتش ایران هستند. قصد این است که این عده برای تخریب و انجام عملیات براندازی به ایران اعزام شوند.

گامهای مثبت کنفرانس کلمبو

در بیانیه ای که در پایان اجلاس کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در کلمبو انتشار یافت، اعلام شد که سازمان ملل متحد باید علیه استعمار نو، نژادپرستی، صهیونیسم، تبعیض نژادی و آپارتاید مبارزه کند.

در بیانیه وزیران خارجۀ کنفرانس غیرمتعهدا، پیمان سازشکارانه مصر و اسرائیل، بعنوان نقض تصمیمات سازمان ملل، مورد انتقاد قرار گرفت.

در بیانیه از اوضاع خاورمیانه ابراز نگرانی شد. در بیانیه همچنین تاکید بعمل آمده که اسرائیل روند تجاوز استعماری خود و تصرف سرزمینهای اعراب را تسریع کرده است، و به حملات جنايتکارانه خود علیه آوارگان فلسطینی در جنوب لبنان ادامه می دهد و هدف آن کشور قتل عام فلسطینیهاست.

وزیران خارجۀ کشورهای غیرمتعهد، سیاست آمریکا و کوشش این کشور را در راه لگدمال کردن حقوق مشروع خلق فلسطین از طریق توافقات دو جانبه محکوم کردند.

اتفاق نظر آمریکا و انگلیس درباره رژیمهای نژادپرست

به گزارش خبرگزاری فرانسه، لرد کارینگتون وزیر امور خارجه انگلیس اعلام کرد که میان سیاست دو کشور آمریکا و انگلیس درباره رودزیا و نامیبیا اختلافی وجود ندارد. کارینگتون سپس گفت: «انتخاب رودزیا آزاد و منصفانه بوده است (۱) دولت رودزیا شروط معینی از جانب دولت انگلیس را کاملاً مراعات کرده است».

کاربحران انرژی در جهان سرمایه داری بالا می گیرد

وزیر خارجه انگلیس که در مصاحبه ای با خبرنگار بی.بی.سی. سخن می گفت، ضمن اشاره به بحران انرژی، در پاسخ سؤالی درباره احتمال تحویل نفت از طرف انگلیس، اعلام کرد که بریتانیای کبیر می خواهد هم پیمان خوبی باشد، لکن از آن بیم دارد که نتواند آرزوهای هم پیمانان اروپایی خود را برآورده کند. آلن مادیان، مشاور سابق فرمانداری نیویورک، در مقاله ای که در آخرین شماره مجله «فارن پالیسی» (سیاست خارجی) نوشت اعلام کرد: «قیمتهایی که از طرف اوپک برای نفت تعیین شده، هنوز نازلتر از آن است که اقداماتی را بمنظور صرفه جویی وسیع انرژی برای تشویق تهیه مواد جانشین نفت ایجاب کند». روزنامه پر اودارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت: «کشورهای سرمایه داری برای انباشتن ذخایر استراتژیکی نفت بمنظور تسامین نفت خام مورد نیاز خود، تقاضای نفت خام را افزایش می دهند. پر اودا سپس تاکید ورزید که تصمیم آمریکا درباره کمک مالی به واردات نفت، که به بروز اختلافاتی میان این کشور از طرفی و معالک غربی اروپا از طرف دیگر انجامیده است، نمونه بارزی است از این گونه اقدامات».

ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی تصریح کرد: «احتکار نفت از طرف شرکت های نفتی اوضاع را وخیمتر کرده است. این شرکتها کار حمل و نقل و پخش نفت را به رکود کشانده اند و در نتیجه نفت را به قیمت های بیشتر از آنچه کشورهای عضو اوپک می فروشند، صادر می کنند».

یاد شهدای توده ای...

بقیه از صفحه ۶

داشت، که میتوانستند امید نبرد انقلابی ما باشند. با اینهمه شاه و امپریالیسم با پرور کردن گلهای زندگی جوانانیکه ۱۸ سال، بیست سال، بیست و دو سال داشتند، نتوانستند از شکستن پیکر آزادی خلق ما جلوگیری کنند، و اینک مردم بابل و همه ایرانیان مبین دوست و تریخواه، یاد رفقای شهید اسکندر روشن راننده، احمد کیوانلو دانش آموز، احمد صدای حق کارگر، علی بابانیا حبیبی دهقان، حسین مقدوری کارگر سلمانی را گرامی میدارند و صداها و صداهای جوان دیگر، راه پرافتخارشان را ادامه میدهند.

روز ۲۹ خرداد سال ۳۲، بابتکار حزب توده ایران، علیه دخالت شاه و دربار در امور کشور، میتینگی در بابل، با اجازه مقامات دولتی ترتیب داده شد. ولی هنوز دقایقی پیش نگذشته بود که مردان مسلح درباری با دستور مستقیم شاه خائن یورش بردند و میتینگ را در خون غرق کردند. نخست رفیق اسکندر روشن شهید شد و هنگامیکه مردم پیکر او را به بیمارستان می بردند و شعار «مرگ بر پهلوی» میدادند جلادان باز سر رسیدند و چهار رفیق دیگر را به خون نشانند.

دارو دسته شاه خائن میخواست به جنبش خلق ضربه زند آنرا مرعوب کند و بین نیروهای مبینی نفاق افکند و گناه چنابیتی را، که مستقیماً دربار ساخته و پرداخته بود، بعهده هواداران دگر مصدق و دولت او بیاندازند.

جانان اجساد شهیدا را پنهان کردند و در گوری جمعی و کوچک دفن کردند، بحدیکه پیکر رشید شهید کیوانلو را با فشار و شکنجه کمر، بدون مراعات کمترین موازین بشری، در گور جمعی جای دادند. آنها میخواستند خاطره تابناک رفقا و درس بزرگ زندگی شهادت آنان را از خاطر خلق بزایند. اما مردم به مدفن مخفی دست یافتند و برای هر یک گوری جدا و درخور برپا نمودند. عمال رژیم کوشیدند آرامگاه شهیدا به میعادگاه خلق بدل نشود و بدین منظور سنگ قبور را کندند و خانواده ها را در معرض فشار و تهدید قرار دادند و حتی طوبی روشن خواهر شهید اسکندر روشن را چنان با قنداق تفنگ مضروب کردند، که زخمهایش التیام نیافت، و او نیز بعداً به صف شهیدا پیوست.

۲۹ خرداد، روز میعاد خلق زحمتکش با این شهیدان پاکباز است. یاد این فرزندان فداکار حزب توده ایران گرامی و راهشان مداوم باد!

پدر رفیق اسکندر روشن، که خود توده ایست و مدت یازده ماه در رابطه با گروه پنجاه و سه نفر در زندان رضا خانی بوده، میگوید:

«اسکندر ما رفت. شهیدا همه رفته اند. اما آنچه ریشه دارد و زندگی و پیشرفت میکند، حزب توده ایران، راه و سرمشق این شهیدان است».

علی بابانیا حبیبی، ۲۰ ساله، دهقان زحمتکشی بود عاشق طبیعت و عاشق حزبی؛ احمد صدای حق ۲۱ ساله، کارگر کارخانه پنبه پاک کنی مرتضوی، پیش از شهادت و هنگامی که پشادت مجروح بود، فریاد میکشید: «رفقا، مردم، فرار نکنید، جمع شویم، مبارزه کنیم!» آخرین کلماتش باز همین بود: «رفقا جمع شویم!»

حسین مقدوری شاگرد سلمانی، ۱۸ ساله بود. شور او زباززد محله بود. کز همه های شاه خائن این نوجوان غیور را، که زخمی شده بود، از نرده های بلند بیمارستان به پائین انداختند و کشتند. احمد کیوانلو، ۲۳ ساله، تازه دیپلمه شده بود. و چرا برای کنکور دانشگاه آماده میکرد. از امتحان شگرف زندگی سر بلند ببرد. آمد و تا پای جان از آرمانهای حزب مبین و مردم زحمتکش دفاع کرد.

یادشان گرامی باد، راهشان جاودان! عکسهای این پنج تن شهید، زینت بخش صفحات این شماره «مردم» است.

شما جوانان بخون خفته را مردم بابل، زحمتکشان ایران و همه نیروهای اصیل انقلابی هرگز فراموش نخواهند کرد.

از کمکهای رفقا و دوستان سیاستگزاریم

رفقای حوزه های ۸ و ۷ زنجان ۴۲۰۰ ریال
گروه صالح خدای از بابل ۱۳۵۰۰۰
دانشجویان هوادار حزب در پلی تکنیک ۶۰۰۰۰

وفاداری و امانت

رفیقی از مشهد، علاوه بر پرداخت ۳۰۰۰ ریال کمک به حزب، مبلغ ۲۷۵ ریال به مسئولین مربوطه تحویل داد و در توضیح خود در این باره گفت: «من در سال ۱۳۳۳ مسئول فروش نشریات حزب در یکی از شهرستانهای خراسان بودم. بدنبال پیگرد اعضای حزب توده ایران در این دوران، موفق به تماس و تسویه حساب نشدم. حالاکه این امکان پیش آمده، خود را موظف به پرداخت این بدهی به روزنامه «مردم» می بینم».

کارآموزان قضائی زن،

تبعیض شغلی را

محکوم میکنند

از روز شنبه ۱۹ خرداد، زنان کارآموز قضائی دوره ۲۱ در کاخ دادگستری دست به تحصن زده اند. اعتراض آنها در باره جلوگیری از شرکت آنان در مراسم تحلیف است. در آن روز مردان کارآموز قضائی، سوگند قضاوت یاد کردند، ولی از شرکت زنان در مراسم جلوگیری شد. یکی از کارآموزان قضائی زن در این باره گفت: «ما کارآموزان زن و مرد دوره ۲۱ پس از گذراندن دوره کارآموزی که بدون هیچ اشکالی پذیرفته شدیم، در مرحله تحلیف از شرکت ما زنان جلوگیری بعمل آوردند. به آقایان حق قضاوت داده شد، در حالیکه ما را بعنوان دادیار پذیرفتند، ما هر گونه تبعیض برضمنای جنسیت را شدیداً محکوم میکنیم».

یکی دیگر از کارآموزان اظهار داشت: «مسئله این نیست که تحصن درد ما را درمان میکند. مسئله اینست که ما خواستار حقوق حقه خود هستیم و این حقوق را چه از طریق تحصن و چه طرق دیگر بدست خواهیم آورد. ما این اقدام وزارت دادگستری را توهین به زنان میدانیم و در برابر آن ساکت نخواهیم ماند».

رفقا و دوستان گرامی

توجه فرمائید

دفتر «مردم» و سایر ارگانهای تبلیغاتی و انتشاراتی و تشکیلاتی حزب توده ایران نیاز جدی و فوری به دوره روزنامه ها و مجلات و نشریات حزب در زمان علنی بودن حزب، قبل از سال ۲۷، و همچنین در دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد و در سالهای پس از کودتا دارند. بسیاری رفقا و دوستانی که یادوره کامل و یا شماره های مختلف این روزنامه ها و مجلات و نشریات را هنوز در اختیار ندارند، مامیدانیم که برای هر رفیق و دوستی، این یادگارهای دورانهای مبارزاتی پیشین بسیار گرانبهاتر و چه بسا که بقیمت های سنگین این نسخ تا کنون حفظ شده است. ولی با وجود تمام علاقه ای که هر رفیق به حفظ این جرابدر کتابخانه شخصی خود دارد، باید تصدیق کنید که در حال حاضر ارگانهای مرکزی حزب، بویژه برای روشن کردن برخی مسائل گذشته و آگاهی به جزئیات راه و روشی که در هر مورد مشخص در پیش گرفته شده، یا برای آگاهی به رویدادهای گوناگون و موضوعیهای شخصیتها و گروههای سیاسی مختلف و همچنین دستیابی بنوشته های رفقای شهید، باین جراید و نشریات نیاز واقعاً حیاتی و بی جانشین دارند.

اینست که بهمه شما رفقا و دوستان گرامی حزب روی می آوریم و تقاضا میکنیم که برای کامل کردن و غنی کردن پایگانی حزب، هر چه از این نشریات دارید، در اختیار ما بگذارید. البته اگر مایلید که حتماً نسخه اصلی را نزد خود نگاه دارید، ما با تحمل هزینه سنگینی که زیرکس کردن همه این مطالب دارد، ناچاریم لاقلاً این درخواست را مطرح کنیم که برای مدت کوتاهی، تا فتوکپی کردن صفحات این دوره ها یا نسخ جداگانه را در اختیار ما بگذارید.

امید داریم همه رفقای حزبی و دوستان حزب، با توجه لازم باین درخواست ما پاسخ دهند تا پایگانی ما به این وسیله هر چه زودتر کامل شود. دفتر «مردم» در خیابان ۱۶ آذر، روبروی دانشکده فنی، شماره ۶۸، در انتظار همکاری فوری و موثر شماست.

ترور در عراق

در سراسر جهان بانگ دفاع از جان میهن پرستان و دمکراتها و کمونیستهای عراقی اوج میگیرد

در سراسر جهان بانگ دفاع از جان میهن پرستان و دمکراتها و کمونیستهای عراقی اوج میگیرد، چرا که روز بروز خبرهای نگران کننده تری از کشور همسایه ما عراق میرسد. بنا بر اخباری که جنبش مبارزه علیه ترور در عراق منتشر کرده، دولت عراق ابتدائی ترین حقوق بشر را زیر پا میگذارد. بهار سال گذشته، که حمله به میهن پرستان عراقی با اعدام ۳۱ کمونیست باوج خود رسید، هزاران نفر از میهن پرستان مترقی، اعم از کرد و عرب، و از میان کمونیستها و مذهبیون مترقی اعدام شده یا زیر شکنجه به شهادت رسیده اند. در موارد بسیاری به عفت زنان میهن پرست تجاوز شده وعده کثیری به سیاهچالها انداخته شده اند. جنبش مبارزه علیه ترور در عراق فیرست تازه ای از میهن پرستان، دمکراتها و کمونیستهای عراقی را، که اخیرا با زداشت شده اند، منتشر کرده است. در این فهرست ۴۴ مورد ذکر شده که در واقع بیش از شصت تن را دربر میگیرد، زیرا در برخی موارد تمام اعضای یک خانواده یا نزدیکان کسی که رژیم عراق باوی خصومت داشته، دستگیر شده اند. در میان اسامی آخرین دستگیر شدگان، که از سرنوشت آنها هیچ اطلاعی در دست نیست، نام دو عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست، چند تن از فعالین این حزب، عده ای از حقوقدانان ونویسندگان و هنرمندان ودانشمندان ودیپلمات و پزشکان ودانشجویان - که چند نفر از آنها زن هستند- دیده میشود.

علاوه بر اینها خبر رسیده که در اول ژوئن (۱۱ خرداد) دولت عراق به جنایت تازهای علیه آزادیخواهان عراق، که به علت ترور حاکم بر عراق ناگزیر به ترک میهن خود شده اند، دست زده است. دکتر توفیق رشدی، استاد پیشین فلسفه دانشگاه سلیمانیه جمهوری عراق و استاد کنونی دانشگاه عدن در جمهوری دمکراتیک یمن، قربانی این جنایت تازه بود. جنایتکارانی که این دانشمند مهاجر را کشتند، پس از ترور به سفارت

توجه

شرح مراسم سالروز شهادت پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را که روز ۲۵ خرداد برگزار شد، در شماره آینده «مردم» خواهید خواند.

مرگ جانگداز یک توده ای



پرویز قجر، رفیق جوان ما، روز ۱۳ خردادماه در يك سه اتومبیل مجروح شد و بعد از ۷ روزاز میان مارفت. پرویز قجر در ۱۴ شهریور ۱۳۳۴ در يك خانواده کارگری متولد شد. وی از همان دوران کودکی بازوری پدرش بود تا آخرین روزهای زندگی نیز در کنار پدر ایستاد.

عباسعلی، پدر پرویز، يك توده ای وفادار و يك مسلمان مؤمن، سرمشق پرویز شد.

پرویز دوسال پیش راه حزب توده ایران را برگزید و تا آخرین نفس به حزبش وفادار ماند. پرویز دوره ابتدائی و دوره اول دبیرستان را درسمان گذراند و سپس بعنوان کارگر درایران نایونال مشغول بکار شد. وی بسیار با ذوق و با استعداد بود بهمت او گروه هنری کلاوفا گرفت و توانست در شرایط ترور و اختناق دونمایشنامه از او درسمان بروی صحنه آورد.

از پرویز دفتر شعری با نام «با نیزه های شکسته برخاک» آماده انتشار بود. هنگام خدمت سربازی، پرویز اعلامیه های حزب را تکثیر و در سربازخانه پخش میکرد. پس از پایان خدمت سربازی، پرویز با شور انقلابی، تمام نیروی خود را در خدمت خلق خود، در خدمت حزبش گذاشت. یادش گرامی باد!

و این خداوند زمان است که می گذرد!

نیایش میبزم در پرستشگاه طبیعت به خداوند زمان! ایزد زایش و مرگ! ناپیدا، دهر سو حاضر، بانبروئی فسون ساز! نیایش میبزم بدین سیاله شکر! که سرانگشتانش بر تار آشفته پندیده ها آهنکی مرموز می نوازد، در گزین خامش ماسه می نرم، در نوسان آونگه، در انفجار ساعت های سرنوشتی، در رقص ذره های طلائی، در چرخش گویهای تابنده، در پویایی ستارگان الماسکون، در کوبش کف آلود موجها، در دگرگونی چهره روزگار، در ضرب نغمه های خوشاهنگه....

و این خداوند زمانست که می گذرد، از زنجیره اندیشه ها، دلهره ها و تلاشها، از جاده خاموش صنوبرهای لرزان، از رده نسلها، از میان گورها و خانه ها، از ستیغ بر فینه های دماوند غنوده در خموشی سید، از شهرها، که در آن هزاران بانگ را هزاران گلوله آتشین خون آلود ساخت، از لحظات دوزخی شکنجه و انتظار فرساینده مادران، از عشرت هنگ الماس در کاخهای بلور، از غرور فرعون بر تخت طاووس و غوغای زرافشان جشنهایش، گذرش است و چشم ویرش و روش و دوش و شتاب بی تاب بی آنکه واپس نگرند، در غبار اقی می گذارد، چه بسا روزگاران بی مغز و بی قلب که تهمتن زمانش از هم گسست فریاد زد، اینک دور شما بسر رسید، از عرصه بیرون روید! بپوشید، کهن گردید، زنگار بندید، بپوشید! فرو پاشید، در بر گهای زرد کتابها گم شوید! در جنبه های زمین مدفون گردید! حتی از استخوانهای شما نیز غباری بر جای نماند. و گاه با سبب سازی و سبب سوزی سوفسطائی رنگهای ناپیوسیده بر آورد، دست نوازش بر سرهای مطرود کشید مشق ادب بر غرورهای طلائی کوفت و در این کوفتن و روفتن و ساختن و نواختن مروراید آفرینش را برشته کنید نگاره های امید را از افق آویخت ویرنیان سحر آمیز تکامل را بافت دمبدم زیباتر، والاتر، شایان تر، بخردانه تر.

.....

هان! ای ایزد «زمان» کاش آن دم که ما را بدیار خاموشی میفرستی، عطری دلانیز از روانهای بی تاب ما بر جای گذاری و شمع از تلاش ناچیز ما تا گوشه ای از معبد شکوه مندت ترا روشن سازد!

احسان طبری - سرود سال ۱۳۳۸

اصطلاح «ابر قدرتها» و منشاء پیدایش آن

«ابر قدرتها» در سایه قرار گرفت. در ضمن اصطلاح «ابر قدرتها» بمذاق محافل و کسانیکه میخواهند به نحوی از انحاء از بار گناهان و جنایات امپریالیسم امریکا بکاهند و بخشی از مسئولیت و سنگینی این بار را بدوش دیگران تحمیل کرده و خلقت را در شناسائی دشمن اصلی گمراه سازند نیز خوش آمد و وارد اصطلاحات سیاسی متداول آنان گردید.

اما در تاریخ جنبش های رهائی بخش ملی و مبارزات ضد امپریالیستی خلقتها، حساب به اصطلاح دو «ابر قدرت» کاملاً از هم جد است. آنها کارنامه های بکلی متفاوتی دارند.

تاریخ این جنبشها حاکی از آنستکه خلقتها در مبارزه بخاطر استقلال ملی و آزادی، در همه جا با مداخلات مسلحانه، تجاوز نظامی، کودتای نظامی، توطئه و تحریکات از جانب دول امپریالیستی و در درجه اول امپریالیسم امریکا روبرو بقیه در صفحه ۳

ضد امپریالیستی واتخاذ مواضع ستیزه جویی با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با اتحاد شوروی، نظریه «ابر قدرتها» اختراع امپریالیسم را بعاریت گرفت. در ضمن پیدایش این اصطلاح نظریه مصادف بود با گسترش جنبش های رهائی بخش ملی و مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استعماری در کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین. در آن زمان که رهبری مائوئیستی هنوز ماهیت واقعی خود را برملا نکرده بود پکن میکوشید با استفاده از نظریه «ابر قدرتها»، از یکسو سمت و اهداف جنبش های رهائی بخش ملی را علیه استعمار و امپریالیسم منحرف سازد و از سوی دیگر سرگردگی خود را بر این جنبشها تحمیل کند. پس از دوری آشکار رهبری چین از مواضع سوسیالیستی و جانبداری از جنبش های رهائی بخش ملی و پیوستن آشکار آن به جنبه ارتجاع و امپریالیسم جهانی، اتحاد شوروی «دشمن شماره یک» اعلام گردید و امپریالیسم امریکا در نظریه

امپریالیسم امریکا، که درست در جبهه مقابل این نیروها قرار گرفته و تمام قدرت خود را در راه تدارکات جنگی، مسابقه تسلیحاتی، تخریب در امر صلح، سرکوب جنبش های رهائی بخش و پشتیبانی از رژیمهای دیکتاتوری و فاشیستی و نژادپرست اعمال میکند، نظریه به اصطلاح «ابر قدرتها» را اختراع نمود.

این تئوری اختراع امپریالیسم امریکا، که فاقد هر گونه معیار طبقاتی است، در مورد سیاست اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا بطور یکسان والته مغرضانه بکار برده میشود. و این مطلب شگفت انگیز است که پاره ای از نیروها - هائیکه خود را حامی منافع طبقه کارگر و زحمتکشان معرفی مینمایند نیز این نظریه را بکار میبرند. در صورتیکه ارزیابی طبقاتی سیاست خارجی هر کشور یگانه ارزیابی صحیح است.

رهبری مائوئیستی پکن پس از فاصله گرفتن از مواضع سوسیالیستی و مبارزه

دردوران پیش از استقرار سوسیالیسم، بمنابه یک نظام اجتماعی با تمام ساختار زیربنائی و روبنائی ویژه خود، کشور - هائیکه در زمینه های اقتصادی، و بر پایه آن نظامی، به قدرت تبدیل میشدند، این قدرت را عملاً در راه گسترش سیطره اقتصادی و نظامی خود و علیه صلح و استقلال و آزادی و تمامیت اراضی کشورها و ملل دیگر بکار میبردند.

سوسیالیسم برای نخستین بار در سراسر تاریخ بشری دولتی را بنیاد نهاد که چنین قدرتی را نه بر علیه خلقتها و امنیت، استقلال و آزادی آنها، بلکه در جهت حمایت از آنها و مبارزاتشان بکار می - بندد هنگامیکه نظام سوسیالیستی و دولت سوسیالیستی، در وجود اتحاد شوروی در همه زمینه های اقتصادی و علمی و فرهنگی و نظامی به قدرت جهانی تبدیل گردید و تمام ظرفیت این قدرت در کفه نیروهای ضد جنگ و طرفدار صلح، نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و دمکراسی و سوسیالیسم قرار گرفت،

جعل اعلامیه بنام حزب توده ایران در کرمانشاه

از کرمانشاه و شهرها و روستاهای اطراف آن خبر میرسد که اعلامیه های تحریک آمیزی با امضای حزب توده ایران پخش میشود که در آن مردم را به شورش و ملیان دعوت میکند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن تکذیب این اعلامیه ها، اعلام میدارد که این تحریکات، توطئه عوامل امپریالیسم و ارتجاع است که بمنظور لطمه زدن به حیثیت و اعتبار حزب توده ایران و نفاق افکنی بین نیروهای انقلابی انجام میگردد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۸/۳/۲۳

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق